

وضعیت فرهنگی شیعه امامیه در ایران عصر سلجوقی

دکتر محمدرضا بارانی*

هدایت نادریان**

چکیده

از آنجا که شیعه امامیه در دوره آل بویه و تحت حمایت‌های امیران شیعی و فرهنگ‌دوست آل بویه، به رشد و شکوفایی رسیده بود، این روند در ابتدای دولت سلجوقیان، با سخت‌گیری‌های پادشاهان متعصب سلجوقی و همچنین وزیران متعصب آن‌ها مانند نظام‌الملک دچار چالش محسوس شد. بررسی منابع آن عصر، نشان می‌دهد که جایگاه شیعیان در ساخت مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها در شهرهای شیعه‌نشین قم، ری، کاشان، آوه، ورامین، سبزوار و ساری و تربیت علمی و مذهبی جوانان شیعه چگونه بوده است. به ویژه به دلیل رقابت نظامیه‌های خواجه نظام‌الملک، عملکرد آنان برای تربیت نسلی فرهیخته، عالم، شاعر و وزیر، بسیار ارزشمند بود. شیعیان در هنر معماری مساجد و مدارس، مأذنه‌سازی، سفال‌سازی و صنایع دستی نیز سرآمد هنرمندان عصر خود بودند. از سوی دیگر، تربیت‌شدگان مدارس شیعی با نفوذ در دربار پادشاهان متعصب و سنی سلجوقی، به توسعه فرهنگ و مذهب شیعه دوازده امامی در ایران آن روز کمک شایانی کردند. در این مقاله، وضعیت فرهنگی شیعه امامیه در ایران عصر سلجوقی بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی

سلجوقیان، شیعه امامیه، تقیه، فرهنگ، ایران، مدارس.

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۷، تاریخ تصویب ۹۰/۸/۹

* استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء.

** کارشناسی ارشد تاریخ تشیع

مقدمه

ظهور آل بویه در ایران، عصری طلایی را در زمینه فرهنگی برای شیعیان دوازده امامی رقم زد. امیران فرهنگ دوست آل بویه، آن چنان در توسعه فرهنگ و خصوصاً فرهنگ شیعه کوشیدند که آثار حرکت‌های علمی و فرهنگی آن‌ها، به دوران سلجوقی نیز منتقل شد. تسامح مذهبی آل بویه، باعث شد تا رونق دانش و فرهنگ در شهرهای شیعه‌نشین به اوج خود برسد. در شهر ری، شیعیان به همت وزیری شیعی چون صاحب‌بن‌عباد، مدارس و کتابخانه‌های عالی بنا کردند. گرچه بعدها تعدادی از این مراکز فرهنگی در حمله سلطان محمود غزنوی از بین رفتند، با این حال رشد فرهنگی شیعه دوازده امامی در شهرهایی مانند قم، ری، آوه، ورامین، سبزوار و کاشان ادامه یافت. در کتاب **نقض آمده است**: «چون محمود برفت، علمای شیعه با حضور شحنگان و نواب او با سر قرار و قاعده خود رفتند.»^۱

در این زمان، شرق اسلامی و ایران^۲ در انتظار تحول جدیدی بود که بر اثر مهاجرت ترکان پدید آمد و دولت آنان سلاجقه نامیده شد و توانست مدت زمانی طولانی بر قلمروهای اسلامی حکومت کند. طغرل بنیان‌گذار این دولت، در سال ۴۳۴ هجری به ری آمد و در سال ۴۴۷ آل بویه را در بغداد نیز برانداخت. با از بین رفتن دولت شیعی آل بویه و روی کار آمدن پادشاهان سنی سلجوقی و میدان‌داری رقیبان آل بویه در بغداد، سخت‌گیری‌ها بر شیعیان بیش‌تر شد. پادشاهان اولیه این دولت همچون سلطان طغرل، آلب ارسلان و ملک شاه، تحت تأثیر جو سنی‌گری حاکم بر ماوراءالنهر و خراسان و همچنین وزیران سنی مانند کندری و نظام الملک، به سخت‌گیری بر ضد شیعیان پرداختند.

این مقاله به بررسی مدارس، کتابخانه‌ها و شرح حال عالمان برجسته شیعه امامیه می‌پردازد و مشخص خواهد کرد که شیعیان چگونه توانستند ضمن ارتقای فرهنگی شیعیان، به توسعه مذهب خویش بپردازند و از این بحران، فرصت مناسبی برای خود درست کنند. دادن گزارش در زمینه عالمان شیعه، شاعران، مدرسه‌ها، هنر و معماری و همچنین وضعیت رفاهی شیعه در این دوره، محورهای اصلی نوشتار حاضر است.

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض، ص ۴۳.

۲. همان.

مدرسه‌های شیعی

جمعی از متعصبان مذهب برای کسب ثواب اخروی و اشاعه علوم دینی، مذهبی و ادبی، از نیمه دوم قرن پنجم تا اواسط قرن هفتم هجری، مدارس و مراکز علمی در ایران احداث کردند. در این مدارس، طلاب علوم مدینی راتبه و وظیفه می‌گرفتند و حق نداشتند به جز علوم دینی به علوم دیگری مانند ریاضی، طبیعی و فلسفه پردازند. هر یک از این مدارس، مخصوص فرقه‌ای از فرق مختلف اسلام بود و در این میان، اهل تشیع مانند اهل تسنن بی‌نصیب نبودند. اما تعداد مدارس فرقه‌های مختلف تسنن، به هیچ وجه قابل قیاس با تعداد مراکز علمی شیعیان نبود. مدارس شیعیان بیش‌تر در ری، قزوین، آوه، قم، مازندران و کاشان ایجاد شده بود که از مراکز عمده اجتماع آنان به شمار می‌رفت. «اثنای عسری‌ها و یا جعفری‌ها که بیش‌تر در مراکز شهری منطقه جبال یعنی ری، قم، آوه و کاشان نفوذ داشتند و دارای مدارس و قبه‌های خاص خود بودند...»^۱ البته شیعه امامیه در خراسان نیز مدرسی داشت، اما چون تعداد شیعیان در خراسان و دیگر نواحی چندان چشم‌گیر نبود، مدارس شیعیان خراسان در قیاس با مدارس سنیان و خصوصاً نظامیه‌های خراسان در درجه دوم اهمیت قرار داشتند. قبل از آن که خواجه نظام الملک به احداث نظامیه‌هایی در نقاط مختلف پردازد، مدراس بیهقیه و سعدیه در نیشابور وجود داشتند. پس از آن که وی نظامیه‌ها را در نیشابور، اصفهان، مرو، آمل، بلخ و غیره احداث کرد، بعضی از بزرگان به رقابت با وی پرداختند، یکی از این افراد تاج الملک قمی بود. این از اولین موارد رقابت بین بزرگان شیعه و سنی در عصر سلجوقی محسوب می‌شد. طبق آگاهی‌های ما از کتاب *نقض*، شیعیان مجالس درس و مناظر وعظ و تبلیغ داشتند و بزرگان شیعه، به نشر احکام دینی مشغول بودند. نویسنده *نقض* یکی از این وعظ و مبلغین و مدرسان به‌شمار می‌آمد و در ری، صاحب مدرسه بود. بسیاری از بزرگان در این مدارس به تحصیل اشتغال داشتند؛ به نحوی که در یکی از مدارس شهر ری، نزدیک به چهار صد متکلم و فقیه مشغول بوده‌اند.^۲

اهمیت کسب علم و خصوصاً علوم دینی در نزد شیعیان، آن قدر بالا بود که آن‌ها در محافل علمی مخالفان خود نیز رفت و آمد داشتند. در کتاب *نقض* آمده است: «چو گویند

۱. بازورث و دیگران، *سلجوقیان*، ترجمه یعقوب آژند، ص ۱۲۸.

۲. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۳۵ و ۱۸۲.

از خراسان مذکری رسیده است، [شیعیان] خواهند که بشنوند تا خود مذهب او در اصول دین، به مذهب این مجبران ماندگی دارد یا نه و یا در حب امیرالمؤمنین و آل او اعتقاد چگونه دارد»^۱ در مقابل، چنین رفتاری از شافعیان و حنفیان نیز سر می‌زده و آن‌ها در مجالس شیعیان می‌آمده‌اند: «کدام دوشنبه باشد که در مجلس ما، از ده و بیست و پنجاه و پانصد منقبت‌خوان و عالم و بازاری از حنفیان و شافعیان کمتر باشند و می‌شنوند و بعضی می‌نویسند.»^۲

الف) مدرسه‌های ری

شیعیان ری، مدارس زیادی را در اختیار داشتند؛ شاید دلیل اصلی آن، رقابت با هم‌شهری‌های سنی خود بوده است. آن‌ها مدارس زیادی در این شهر ساختند. نویسنده کتاب *فضایح الروافض* می‌گوید: «و به روزگار سلطان ملک‌شاه و سلطان محمد، - قدس الله روحهما - نگذاشتندی که اینان (شیعیان) مدرسه و خانقاه سازند.» اما نویسنده کتاب *نقض*، به شدت این سخن را رد می‌کند و مدعی می‌شود که در بلاد خراسان و حدود مازندران و بلاد عراق چون قم و کاشان و آوه، مدارس فراوانی وجود داشته که همراه با اوقاف و طومارات کتاب بوده است. وی برای پاک کردن این شبهه از ذهن خوانندگان، مدارس شهر ری را نام می‌برد که خود در آن‌جا ساکن بوده است. وی در این بین، مدعی می‌شود که تعدادی از این مدارس در عصر پادشاهان اولیه سلجوقی ساخته شده‌اند که به سخت‌گیری بر شیعه مشهور بوده‌اند.^۳ این مطلب یا ناشی از تقیه نویسنده کتاب *نقض* است و یا این‌که نشان می‌دهد که سخت‌گیری چندانی بر شیعه امامیه در امر مدرسه‌سازی و فعالیت فرهنگی اعمال نشده است. البته این سخت‌گیری بر اسماعیلیان و زیدیان وجود داشت. در این‌جا به اختصار نام مدرسه‌های شهر ری آورده می‌شود:

۱. مدرسه بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیسکی در محله کلاه‌دوزان که در دوره سلطان طغرل تأسیس شده و در آن علاوه بر مجلس مناظره، کارهایی نظیر مجلس وعظ، ختم قرآن و نماز جماعت نیز صورت می‌گرفته است. مدرسان، سادات و فقها نیز در این مدرسه مجاور بوده‌اند.^۴

۱. همان، ص ۱۰۵.

۲. همان، ص ۱۰۶.

۳. همان، ص ۳۴-۳۶.

۴. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۵۰۳.

۲. مدرسه شمس‌الاسلام حسکابابویه که در سرای ایالت قرار داشت و علاوه بر کارهای فوق، تعلیم قرآن به کودکان نیز در آن صورت می‌گرفت. تأسیس آن در دوران سلطان ملکشاه بوده است.^۱

۳. مدرسه‌ای مهم در بین دو مدرسه فوق وجود داشت که به سادات کیسکی متعلق بود و در زمان سلطان محمد تأسیس شده بود.^۲

۴. مدرسه‌ای متعلق به سید زاهد بلفتوح که در دوره سلطان ملکشاه در محله دروازه آهنین تأسیس شده بود.^۳

۵. مدرسه‌ای متعلق به خواجه امیرک شیعی که در کوی اصفهانیان و در عهد سلطان ملکشاه تأسیس شد و یکی از فقهای مشهور شیعه معروف به «ابوالحسن الحاستی» در آنجا تدریس می‌کرد.^۴

۶. مدرسه خواجه عبدالجبار مفید که در عهد ملکشاه و سلطان محمد ساخته شد و چهارصد شاگرد در آن فقه و کلام می‌آموختند: «و مشهور است به درس علوم و نماز به جماعت و ختم قرآن و نزول اهل صلاح و فقها، همه به برکات شرف‌الدین مرتضی که مقدم سادات و شیعه است.»^۵

۷. مدرسه کوی فیروز، خانقاه امیر اقبالی، خانقاه علی عثمانی، مدرسه‌ای در محله جاروبندان که دویست دانشمند در آن دروسی چون اصول دین، اصول فقه و علم شریعت می‌آموختند. کتابخانه این مدرسه مشهور و مورد استفاده علما بوده است.^۶

۸. مدرسه شیخ حیدر مکی که در عهد سلطان محمد و در محله مشهور شیعیان ری یعنی «در مصلحگاه» ساخته شد.^۷

۹. مدرسه دیگری نیز شاه‌غازی، یکی از امیران شیعه آل باوند در ری ساخت که حتی مخارج مدرسه نیز از مازندران فرستاده می‌شد: «و هر سال تشریف به‌جهت متولی، مدرس و فقها می‌فرستادند.»^۸

۱. عباسعلی دادخواه، *ایران و تشیع* (رساله دکتری)، ص ۱۶۹.

۲. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۵۰۴.

۳. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۳۵.

۴. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۵۰۴.

۵. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۳۵.

۶. عباسعلی دادخواه، *ایران و تشیع* (رساله دکتری)، ص ۱۷۰.

۷. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۳۶.

۸. بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ص ۹۶.

به نظر می‌رسد که پادشاهان سلجوقی، با ساخت مدارس که عموماً مدارس دینی بوده مخالفتی نداشته‌اند. نویسنده **نقض** ضمن اشاره به تأسیس این مدارس در زمان شاهان اولیه سلجوقی، این تسامح را نشان داده است.

ب) مدرسه‌های قم

قم از سال‌های قبل از سلجوقیان، مهد مدارس و مجالس علمی و دینی بود و در واقع مرکز ثقل حفظ حدیث اهل بیت به‌شمار می‌رفت. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «عن قریب باشد که کوفه روزگاری از مؤمنان خالی گردد و علم و دانش در آن ناپدید شود... و علم و دانش به شهری که آن را قم گویند ظاهر شود.»^۱

خاندان بابویه و خصوصاً شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، خدمات فرهنگی و علمی بزرگی برای شیعه امامیه در شهر قم انجام دادند. مدارس سعد صلب، اثیرالملک، عزالدین مرتضی، امیر شرفشاه، ظهیر عبدالعزیز، ابوالحسن کمیح، شمس‌الدین مرتضی و مرتضی کبیر شرف‌الدین، مهم‌ترین مدارس قم در دوره سلجوقی هستند.

در کنار این مدارس، کتابخانه‌هایی پر از کتب مذاهب مختلف وجود داشت. نویسنده **نقض** می‌نویسد: «و مناره‌های رفیع و کراسی علما و نوبت عقود مجالس و کتابخانه‌های ملء (پر) از کتب طوایف...»^۲

وی در ادامه، استفاده کنندگان از این کتابخانه‌ها را مشخص کرده است: «و مقرران فاخر عالم به قرائات و مفسران عالم به منزلات و موعولات و ائمه نحو و لغت و اعراب و تعریف و شعرای بزرگ و فقها و متکلمان از اسلاف به اخلاف رسیده و...»^۳

منابع مالی این مدارس نیز از روستاها و املاکی که در وقف آنها بوده و توسط واقفان خیر که خود مؤسس مدارس بوده‌اند، به طلبه‌ها و مدرسان اختصاص می‌یافته است. این منابع، از راه‌های دیگری نیز تأمین می‌شده است: «مال‌های فراوان که هر سال از وجوه حلال، به متابعت در وجوه زکوات و اخماس و صدقات صرف شود.»^۴

ج) مدرسه‌های کاشان

نزدیک بودن کاشان به ری و قم، باعث شد که آن‌ها نیز در امر مدرسه‌سازی از این دو

۱. حسن بن محمد بن حسن قمی، **تاریخ قم**، تصحیح سیدجمال‌الدین تهرانی، ص ۹۶.
 ۲. عبدالجلیل قزوینی رازی، **بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض**، ص ۱۹۵.
 ۳. عبدالجلیل قزوینی رازی، **بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض**، ص ۱۹۶.
 ۴. همان.

شهر عقب نمانند. نویسنده کتاب *نقض* به وجود چهار مدرسه صفویه، مجدیه، شرفیه و عزیزیه در این شهر اشاره می‌کند. سید امام ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌الله بن الحسن، یکی از مدرسان مشهور مدارس کاشان بود.

شرف‌الدین انوشیروان خالد، وزیر شاهان سلجوقی که خود تربیت شده مدارس شیعیان بوده، مدرسه‌ای در کاشان تأسیس کرد. وی خود کاشانی بود و با نفوذ در دربار و گرفتن منصب وزارت، کارایی خود را نشان داد. سمعانی ذیل مدخل قاسانی، وضعیت علمی شهر کاشان و علمای آن را وصف می‌کند و می‌نویسد: «در آن‌جا جمعی از اهل علم و فضل هستند که من خدمت بعضی از آن‌ها رسیدم.» سپس به دیدار یکی از عالمان کاشان می‌رود و بر سر در خانه او آیه تطهیر را می‌خواند. این عالم «ابوالرضا فضل‌الله بن علی راوندی قاسانی» بود که صاحب مدرسه مجدیه یکی از دو مدرسان مشهور به شمار می‌رفت.^۱

د) مدرسه‌های آبه (آوه)

قدرت علمی و فرهنگی شیعیان دوازده امامی آن‌قدر زیاد بود که در شهری کوچک چون آبه نیز مدارس مشغول به فعالیت بودند و حتی آوازه مدارس آن به ری رسید که خود دارالعلمی بزرگ در آن عصر به شمار می‌رفت. وجود دو مدرسه و دو مسجد جامع در این شهر کوچک شیعه‌نشین نشان دهنده این مطلب است که شیعه امامیه در دوره سلجوقی، حرکت علمی و فرهنگی خویش را در نقاط کم‌اهمیت و کوچک از نظر جمعیتی نیز انجام داده‌اند. از آن‌جا که بین ساوه و آوه تضاد مذهبی آشکاری وجود داشته^۲، وجود این دو مدرسه در این شهر کوچک اهمیت خود را نشان می‌دهد.

مدرسه عزالملکی و عرب‌شاهی، با داشتن مدرسانی توانمند چون سیدابوعبدالله و سیدابوالفتح و فضل و سلیمان که نسب آن‌ها به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسید.^۳ نقش فراوانی در توسعه فرهنگی شیعیان آوه داشته‌اند.

ه) مدرسه‌های سبزوار

این شهر که مرکز منطقه بیهق بود، سابقه‌ای طولانی در مدرسه‌سازی داشته‌و شیعیان

۱. عبدالکریم بن محمد سمعانی، *الأنساب*، ص ۴۲۶.

۲. زکریابن محمد بن محمود قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه عبدالرحمان شرف‌کندی، ص ۶۵.

۳. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۱۹۹.

این شهر نیز مدارس متعددی داشتند. در تاریخ بیهقی آمده است که ابوالقاسم علب بن محمد بن حسین، رئیس بیهق، چهار مدرسه برای خنفيان، شافعیان، کرامیه، سادات و پیروان آنان یعنی معتزله (عدلیون) و زیدیه بنا کرد.^۱ در این مدرسه‌سازی، علویان شهر به دلیل نزدیک بودن عقاید و آرای فکری با شیعیان زیدی و کلام معتزلی، صاحب یک مدرسه مشترک بودند. البته رئیس بیهق به دلیل این اقدام مورد غضب پادشاه متعصب سنی یعنی سلطان محمود غزنوی قرار گرفت. در دوره سلجوقیان نیز شیعیان امامی در سبزوار، مدارس خاص خود را ساختند. دو کتاب *ذخیره‌الآخره* نوشته علی بن عبدالصمد تمیمی و کتاب *نزه الزاهد و نزه العابد* که نویسنده‌ای نامعلوم دارد، به زبان فارسی و برای شیعیان سبزوار نوشته شده‌اند.^۲ کتاب دومی یک کتاب دعاست که نوشتن آن به زبان فارسی در آن دوره خود نوعی خلاقیت به شمار می‌آید.

نویسنده *نقض* می‌نویسد: «اما سبزوار بحمدالله منه هم، محل شیعه و اسلام است آرسته به مدارس نیکو و مساجد نورانی و علمای خلف از سلف و طریقت و شریعت آموخته ...»^۳

وی در ادامه، نفرت شیعیان امامی را از اسماعیلیان ساکن در نواحی اطراف سبزوار مثل طبس، تون، دامغان و قهستان با آوردن لفظ «ملاحظه» بیان کرده است.

و) مدرسه‌های ورامین

شهر ورامین به واسطه نزدیک بودن به شهر ری، از فرهنگ علمی والای آن بهره‌مند گردید و شیعیان این شهر با ساخت و توسعه مدارس، به محکم کردن پایه‌های فرهنگ غنی شیعه در ورامین کمک کردند. رضی الدین ابوسعید و پسرانش پرچم‌دار توسعه فرهنگی و مذهبی شهر ورامین در عصر سلجوقی بوده‌اند. شاعران شیعه و خصوصاً قوامی رازی مدح کرده‌اند.^۴

چون توانی شد به کعبه کز سخا کعبه عالم ورامین کرده‌ای
نویسنده *نقض* در وصف مدارس این شهر می‌نویسد: «از برکات رضی‌الدین ابوسعید، اسعد فی الدارین و پسران او از بنیاد مسجد جامع و خطبه و نماز و مدرسه رضویه و فتحیه

۱. ابوالحسن علی بن زید بیهقی بن فندق، *تاریخ بیهق*، تصحیح احمد بهمنیار، ص ۱۹۵.

۲. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۵۴۶.

۳. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۲۰۲.

۴. قوامی رازی، *دیوان*، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، ص ۱۹۹.

با اوقاف معتمد و مدرسان عالم متدین و فقها طالب مجد ...^۱»

با شروع وزارت خواجه نظام الملک و اقدامات او در آغاز ساخت نظامیه‌ها در شهرهای مختلف، جنبش مدرسه‌سازی در ایران عصر سلجوقی به وجود آمد که شیعه امامیه نیز حداکثر استفاده را از این رویداد برد. چون نظام الملک نظامیه‌ها را بر پیروان مذهب شافعی وقف کرد، حنفی‌ها و شیعیان امامی نیز به سرعت مدارس خاص خود را تأسیس و اوقافی برای آن‌ها مشخص کردند. البته در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، نخستین بار مدرسی در خراسان برای تعلیم شروع به کار کردند. عده ای از تاریخ‌نگاران، ایجاد مدارس را در اواخر قرن چهارم در گرگان، طبرستان و سیستان ذکر کرده‌اند. مدرسه بیهقیه در نیشابور، از قدیم‌ترین مدارس ایران اسلامی به‌شمار می‌آید که در تاریخ اسلام نام آن‌ها ذکر شده است.^۲ در مدارس اولیه، به طلاب حقوق پرداخت نمی‌شد، اما نظامیه‌ها در این زمینه و زمینه‌های دیگری چون پرداخت حقوق به مدرسان و طالبان علوم و ایجاد کتابخانه و داشتن دارالشفاء و طبیب و دارو پیشقدم بوده‌اند.

البته مدارس شیعیان در ری و دیگر شهرها به غیر از بحث دارالشفاء و طبیب و دارو، در بقیه زمینه‌ها نیز در نوع خود ممتاز بوده‌اند. عیب بزرگ مدارس عصر سلجوقی اعم از شیعی و غیرشیعی، توجه صرف به علوم دینی و دوری جستن از علوم عقلی بود. در واقع علمای دینی، ضمن نفوذ در تمام طبقات، پیشرفت علوم دینی در مدارس این دوره را باعث شدند و تحصیل سایر علوم، خاصه علوم معقول تحت الشعاع آن قرار گرفت و حتی مدارس نظامیه، تحصیل علوم عقلی را ممنوع اعلام کردند. به هر حال شیعه امامیه، از این فرصت طلایی نهایت استفاده را برد و به توسعه فرهنگی اذهان شیعیان زمان خود در مدارس خاص خویش پرداخت و ضمن گسترش افکار خود، زمینه پذیرش افکار عمومی را برای ایجاد حکومتی شیعی در قرن‌های آینده به نوعی آماده ساخت و شیعه را از گزند تعصبات شاهان سنی به سلامت عبور داد.

شاعران و ادیبان شیعه

برای شناخت فرهنگ شیعه در قرن‌های پنجم و ششم، ابتدا باید شاعران این دوره را که به تشیع منسوبند، شناسایی کرد. شاعرانی که با زنده نگه داشتن زبان فارسی، ادب

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۲۰۰.

۲. محمدعلی اخلاقی، *شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه*، ص ۱۶۴.

فارسی را متحول ساختند و در ضمن آن، محبت خود را به ائمه شیعه بیان کردند. از آن جا که نقش شاعران در زنده نگه داشتن اصول اولیه یک تفکر، انکار ناشدنی است، به معرفی شاعران منتسب به شیعه در این دوره می‌پردازیم. تأثیر و نفوذ شعر این شاعران در قلب عامه جامعه و نیز در درون دربار، به رشد و گسترش تشیع کمک کرد.

مرکز ثقل ادبیات فارسی شیعی بیش‌تر در منطقه جبال و خراسان بود. در واقع سلجوقیان در بحث توسعه ادب فارسی پدیده‌ای برجسته و استثنایی به شمار می‌آمدند. بی‌فرهنگی شاهان بزرگ سلجوقی، بر سر راه توسعه ادب فارسی مانعی ایجاد نمی‌کرد، عمدتاً از آن جهت که سیاست داخلی آن‌ها در دست مشاوران ایرانی و رای‌زنان معتمدی بود که بدون کمک ایشان، این جنگ‌جویان وحشی نمی‌توانستند خود را در چنین محیطی نگه دارند که از فرهنگ و تمدن پیشرفته‌ای برخوردار بودند. پس از پایان وزارت خواجه نظام الملک، تعداد زیادی از قمی‌ها و کاشانی‌های شیعه با عناوین مختلف از وزیر گرفته تا مستوفی، به دربار شاهان سلجوقی راه یافتند. ورود این صاحب‌منصبان شیعی به دربار سلجوقی، در توسعه شعر و فرهنگ و ادب فارسی شیعی در ایران کمک شایانی کرد. برخی از این وزیران عبارتند از: «فخرالملک قمی و برادرش ابوالمجد قمی، سعدالملک آوی، زین‌الملک ابوسعده هندو قمی، ابوطاهر مهیسه قمی وزیر سلطان سنجر، شرف‌الدین انوشیروان خالد کاشانی، کمال ثابت قمی، مکین بوالفخر قمی و ...»^۱ بدین ترتیب عصر سلجوقی از لحاظ فرهنگی، یکی از مراحل اوج فرهنگ و تمدن ایرانی است. این توسعه فرهنگی در رشد شهرها و تأسیس مدارس بزرگ از جانب همه مذاهب، در انتقال دستگاه اداری از دست خاندان‌های دیوان‌سالار قدیم به خاندان‌های روشن‌فکر جدید از شهرهایی مثل قم و کاشان و نفوذ تدریجی و آرام فرهنگ شیعی بازتاب می‌یابد.

شعر نیز طی دوران پادشاهان بعدی سلجوقی، رونق و شکوفایی یافت. اما قالب‌هایی که استادان گذشته به کمال رسانده بودند، رفته‌رفته فراموش گشت و شعر در مسیر تازه‌ای بالیدن گرفت. سنایی یکی از این شاعران ابداع‌گر بود که در نیمه اول قرن ششم، این مسیر تازه را نشان داده بود. قصیده در آثار انوری و خاقانی به اوج کمال رسید.

۱. فردوسی

نویسنده کتاب **نقض** تا حدودی وضعیت ادب فارسی شیعی را برای ما بیان کرده است.

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۲۲۰.

وی ابتدا از فردوسی شروع می‌کند که در آستانه روی کار آمدن سلجوقیان، سال‌های آخر حیات خود را می‌گذراند. به اعتقاد نویسنده، وی فردی شیعی بوده که در *شاهنامه* در موضعی به اعتقاد خود اشاره می‌کند. در تاریخ ادبیات ایران آمده است: «فردوسی از مهم‌ترین شعرای دوره غزنویان، با همه ارتباطی که با این دولت داشت. دارای گرایش‌های شیعی و معتزلی بود»^۱

اشعاری از فردوسی، اعتقاد وی به «وصایت» امام علی علیه السلام را نشان می‌دهد:

منم بنده اهل بیت نبی ستاینده خاک پای وصی

سرانجام فردوسی رنجیده از رفتار سلطان محمود، به دربار ملوک آل باوند مازندران می‌رود و مورد محبت پادشاه شیعی یعنی اسپهبد شهریار قرار می‌گیرد. در *تاریخ طبرستان* آمده است: «محمود با آن جماعت تدبیر کرد که فردوسی را چه دهیم؛ گفتند: «پنجاه هزار درم» و این خود بسیار باشد که او مردی رافضی است و معتزلی مذهب...»^۲

سپس ابیاتی را که نشان دهنده رفض اوست، بیان می‌کند؛ از جمله:

اگر خلد خواهی به‌دیگر سرای به‌نزد نبی و وصی گیر جای

نویسنده *تاریخ طبرستان* در ادامه می‌نویسد: «و چون فردوسی ایمن شد، از هری روی به‌طوس نهاد، شاهنامه برگرفت و به‌طبرستان شد به‌نزدیک اسپهبد شهریار که از آل باوند در طبرستان پادشاه او بود و آن خاندانی است بزرگ نسبت ایشان به یزدگرد شهریار پیوندد؛ پس محمود را هجا کرد و در دیباچه بیتی صد و بر شهریار خواند.»^۳

زمینه تشیع نیز در اشعاری از کسایی مروزی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها قصیده‌ای در منقبت حضرت علی علیه السلام و مرثیه‌ای برای شهیدان کربلاست.^۴ وی می‌گوید:

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

برای این که نمایی کلی از وضعیت شاعران فارسی‌گوی شیعی به‌دست بیاوریم، گریزی به کتاب *نقص می‌زنیم*. عبدالجلیل رازی می‌نویسد: «اما شعرای پارسیان که شیعی و معتقد و متعصب بوده‌اند، هم اشارتی برود به بعضی؛ اولاً فردوسی توسی شیعی بوده است

۱. ذبیح‌الله صفا، *تاریخ ادبیات ایران*، ص ۴۸۷.

۲. بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۲۳.

۴. محمدامین ریاحی کسایی مروزی، *زندگی، اندیشه و شعرا*، ص ۷۷.

... و فخری جرجانی شیعی بوده است و در کسای خود خلافی نیست که همه دیوان او مدایح و مناقب مصطفی و آل مصطفی است - علیه و علیهم السلام - و عبدالملک بنان - رحمه الله علیه - مؤید بوده است به تأیید الهی ... و ظفر همدانی اگرچه سنی بوده است، او را مناقب بسیار است در علی و آل علی - علیهم السلام - و در دیوانش مکتوب است تا تهمت‌ش نهند به تشیع.^۱

۲. سنایی غزنوی

نویسنده در ادامه *نقض* تعداد زیادی از شاعران منسوب به تشیع را ذکر می‌کند؛ البته ممکن است بعضی از این شاعران، در نوع تشیع با هم فرق داشته باشند؛ یعنی تشیع در بعضی اعتقادی، در بعضی سیاسی و در بعضی دیگر هر دو باشد. وی می‌نویسد: «و اسعدی قمی و خواجه علی متکلم رازی عالم و شاعر، و امیر اقبالی شاعر و ندیم سلطان محمد - رحمه الله علیه - شیعی و معتقد بوده است و قائمی قمی و معینی و بدیعی و احمدچه رازی، و ظهیری و بردی و شمسی و فرقدی و عنصری و مستوفی و سمان و سیدحمزه علوی و خواجه ناصحی و امیر قوامی و غیر اینان - رحمه الله علیهم - که همه توحید و زهد و موعظت و مناقب گفته‌اند بی حد و اندازه و اگر به ذکر همه شعرای شیعی مشغول شویم، از مقصود بازمانیم و خواجه سنایی غزنوی که *عَدِيمُ النُّظِيرِ* است در نظم و نثر و خاتم‌الشعرايش نویسد و او را منقبت بسیار است»^۲ سپس ابیاتی را از سنایی غزنوی نقل می‌کند که در کتاب *فخری نامه* سروده است:

جانب هر که با علی نه نکوست هر که را خواه گیر من ندارم دوست
هر که چون خاک نیست بر در او گر فرشته است خاک بر سر او
ابیات فوق در *حدیقه الحقیقه* آمده است.^۳

سنایی از شاعرانی است که زندگی اش در غبار عظیمی از ابهام فرو رفته است. تواریخی که به سال مرگ وی اشاره دارند، به اندازه‌ای متفاوت هستند که میانشان هفتاد سال اختلاف وجود دارد. در این که آیا اشعار سنایی بر تشیع امامی وی دلالت دارد یا صرفاً به معنای شیعه بودن وی است، بحث وجدل فراوان وجود دارد. وی می‌گوید:

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض منال النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۱ و ۲۳۲.

۳. ابومحمد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، *حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه*، تصحیح مدرس رضوی، ص ۲۶۱.

ای امیرالمؤمنین! ای شمع دین! ای بوالحسن
ای به یک ضربت ربوده جان دشمن در بدن

یا در جایی دیگر می گوید:

از پس سلطان دین پس چون روا داری همی

جز علی و عترتش محراب و منبر داشتن

گرهمی مؤمن شماری خویشتن را بایدت

مهر زرّ جعفری بر دین جعفر داشتن

در شعر اخیر، شاعر علاوه بر حب امام علی علیه السلام به عترت و آل اطهار نیز علاقه نشان می دهد و سرانجام در پایان مهر تشیع جعفری را بر پیشانی خود می زند. سنایی اعتراض خود به غاصبان حق خلافت امام علی علیه السلام را چنین بیان می کند:

گویند که پیغمبر ما رفت ز عالم

میراث خلافت به فلان داد و به بهمان

هرگز ملکی ملک به بیگانه نداده است

رو دفتر شاهان جهان جمله تو برخوان

با دختر و داماد و بنی عم و نبیره

میراث به بیگانه دهد هیچ مسلمان^۱

۳. ابوالمفاخر رازی

وی از شاعران شیعه عصر سلجوقی به شمار می آید. در کتاب *مجالس المؤمنین* درباره وی آمده است: «و در مناقب سلطان الانس والجن علی بن موسی الرضا علیه التحیه والثنا چند قصیده دارد جمله مصنوع و متین...»^۲ از لقبش معلوم می شود که اهل ری بوده است. او قصیده بلندی در ستایش امام رضا علیه السلام دارد که از قصاید معروف عهد سلجوقی به شمار می آید. در کتاب *تاریخ تشیع در ایران* آمده است: «مهم ترین اثر از بین رفته وی، *مقتل الحسین* است که گویا بیش تر آن اشعار فارسی در شرح واقعه کربلا بوده است»^۳ کتاب *روضه الشهداء*، تعدادی از ابیات وی را آورده که می تواند درآمد شعر عمومی

۱. ملامحمد طاهر قمی، *تحفه الاخیار*، تحقیق: داود الهامی، ص ۲۶۹.

۲. قاضی سیدنورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج ۲، ص ۶۱۴.

۳. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۶۰۵.

کربلا باشد.^۱

۴. امیر قوامی رازی

وی منسوب به تشیع و ساکن شهر ری است. در *مجالس المؤمنین* آمده: «اکثر اشعار او چون در مدح خاندان سادات و اولاد ایشان بوده، به سعی نامشکور مخالفان از میان رفته»^۲ تا صاحب الزمان برسیدن به کار دین اولاترین کسی شرف‌الدین مرتضاست جدا از احترام و مدح شرف‌الدین مرتضی در این شعر، محتوای شعر قبول داشتن یک فقیه و فرد شیعی به عنوان اولاترین فرد در امور دین در غیاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه و در واقع ولایت داشتن یک فقیه بر جامعه دینی است.

۵. افضل‌الدین ابراهیم خاقانی

نام کامل او افضل‌الدین بدیل (ابراهیم) بن علی خاقانی است.^۳ وی بیش‌تر بر شیوه تقیه اشعار خود را می‌سروده است. به علت آن‌که در دوره سلجوقی، به بسیاری از نخبگان علمی، فرهنگی و سیاسی کشور بر چسب باطنی‌گری زده می‌شد، وی مجبور بود که در لباس تقیه شعر بسراید. در *مجالس المؤمنین* آمده: «لاجرم بعضی از عقاید خود را در قطعه مشهور که مذکور خواهد شد، به‌طریق کنایه بیان نمود و طریقه تعمیه و الغاز در آن پیمود»^۴

علوی دوست باش خاقانی
کز عشیره علیست فاضل‌تر
بدشان به زمردم نیکو
نیکشان از فرشته کامل‌تر

وی در قصیده‌های که در مدح یکی از شیعیان مشهور سروده، اشاره‌ای لطیف به حدیث مشهور «یا علی انت منی بمنزله هرون من موسی» کرده است.^۵

۶. اوحد‌الدین انوری

وی احتمالاً در سال ۵۰۱ هجری، در ابیورد به دنیا آمده است. او علاوه بر شاعری، عالمی برجسته بوده و فلسفه ابن سینا را تحسین می‌کرده و همین نشان دهنده رگه‌هایی از تشیع در وی است. در *مجالس المؤمنین* دو بیت از او آمده که در بیت دوم اشاره می‌کند

۱. ملاحسین کاشفی، *روضه‌الشهدا*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، ص ۲۲۳.

۲. قاضی سیدنورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج ۲، ص ۶۱۶.

۳. همان.

۴. همان، ص ۶۱۷.

۵. همان، ص ۶۲۱.

به آن که اگر بیعت ابوبکر با وجود امام علی علیه السلام، حقیقتی و صحتی می‌داشت، چرا بعد از آن، اقاله و طلب فسخ بیعت می‌نمود.^۱

ملک بخشاینده در حرمان میمون خدمت

چون خلافت بی علی بوده است و بی زهرا فدک

بیعت بوبکر و آن قول و اقیلونی چه بود

مصلحت دید علی آن فتنه‌ها خوابید چون

البته نویسندگان *تاریخ ایران کیمبریج*، بدون توجه به رعایت امر تقیه در زندگی شیعیان

آن عصر، وی را از اهل سنت معرفی کرده‌اند.^۲

عالمان و دانشمندان شیعی

۱. شیخ جعفر دوریستی

وی از خاندان‌های معروف شیعی در حوالی ری بوده است. او بر یکی از مناظرات شیخ صدوق با رکن‌الدوله بویه‌یی در ری نظارت داشت که متن آن در کتاب *الثاقب فی المناقب* از فارسی به عربی ترجمه شده است.^۳ پدر وی عالم بود. وی در بغداد نزد شیخ مفید و سید مرتضی به تحصیل پرداخت.^۴ وی شیخ برخی از علمای ایرانی و انتقال دهنده دانش شیعی حوزه بغداد به ری است. ارتباط علمی بین شیخ جعفر و خواجه نظام‌الملک از توانایی علمی بالای عالمان شیعه دوران سلجوقی حکایت می‌کند. شخصی چون *نظام‌الملک* آن قدر در حدیث توانا بود که گاهی مجلس حدیث برپا می‌کرد؛ حال چنین شخصی با داشتن عنوان وزیر، با پای خود به مجلس درس شیخ جعفر حاضر می‌شده است. به هر حال علمای شیعه، نفوذ بالایی در جامعه آن روز داشته‌اند: «در هر دو هفته، نظام‌الملک از ری به دوریست رفتی و از خواجه جعفر سماع اخبار کردی و بازگشتی از غایت فضل و بزرگی او».^۵

۱. همان، ۶۲۳.

۲. بویل، ج ۱، *تاریخ ایران کیمبریج*، ج ۵، ترجمه حسن انوشه، ص ۵۳۷.

۳. ابوجعفر محمد بن علی طوسی، *الثاقب فی المناقب*، تحقیق: نبیل رضا علوان، ص ۲۳۹.

۴. علی بن عبیدالله بن بابویه منتجب‌الدین، *الفهرست*، تصحیح عبدالعزیز طباطبایی، ص ۴۵.

۵. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض قضایح الروافض*، ص ۱۴۵.

۲. شیخ نجم الدین عبدالله بن جعفر دوریستی

وی در سال ۵۶۶ هجری، به بغداد رفت. او از فقهای بزرگ شیعه و عالمی جلیل القدر بود. وی از جد خود ابی جعفر محمد بن موسی احادیث اهل بیت علیهم السلام را روایت می کرد.^۱

۳. خواجه حسن بن جعفر دوریستی

وی فاضل، دانشمند و شاعر بود. او را در مناقب و مرثیاتی قصاید بسیار است.^۲

۴. شیخ مفید ابوالوفا عبدالجبار بن عبدالله بن علی مقری رازی

وی فقیه، محدث و شاگرد شیخ طوسی بود و در عصر خود فقیه شیعه به شمار می آمد و در مدرسه اش چهار صد مرد فقیه و متکلم درس می آموختند.^۳

۵. شمس الاسلام ابومحمد حسن معروف به حسکا

وی جد شیخ منتجب الدین بود و در مدرسه اش علاوه بر مجلس وعظ، به کودکان قرآن می آموختند.^۴ آثار وی عبارتند از: *العبادات*؛ *کتاب الاعمال الصالحه* و *کتاب سیر الانبیا و الائمة*. وی از نظام الملک عطایای بسیار ستانده است.^۵

۶. ابوالحسن علی بن احمد بنجکردی نیشابوری

وی دانشمند، شاعر و نحوی بوده و اشعار امام علی علیه السلام را در کتاب *تاج الاشعار سلوة الشیعه* جمع آوری کرده است.^۶

۷. ابوعلی حسن بن شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (مفید ثانی)

او پسر شیخ طوسی، فقیه بزرگ شیعه بود. وی بعد از پدرش فقیه و پیشوای شیعیان شد. وی سرسلسله اجازات علمی در میان شیعه است.^۷

۱. قاضی سید نورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج ۱، ص ۶۵.

۲. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۲۵۱.

۳. همان، ص ۴۷.

۴. همان.

۵. همان، ۱۰۸.

۶. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۵۷۰.

۷. عبدالله المامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۱، ص ۳۰۶.

۸. ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی

وی معروف به شیخ طبرسی و صاحب تفاسیر الکافی، الشافی، جوامع الجامع و مجمع البیان است. آثار فارسی وی از شیوع تشیع در فارسی زبانان دوره سلجوقی حکایت می‌کند. وی کتاب جواهر الجمل را که در علم نحو است، به نقیب شیعیان آل زبارة در خراسان اهدا کرد.^۱ همچنین کتاب اعلام الوری خود را به اسپهبد علاءالدوله باوندی اهدا نمود. تاریخ بیهقی، به تفرشی بودن وی و این که طبرسی معرب تفرش است، اشاره می‌کند.^۲ کتاب الادب الدینیة للخزانة المعینیة کتاب دیگر وی است.

۹. شیخ عماد الدین ابوجعفر محمد بن رستم طبری آملی کجی

روضات الجنات وی را یکی از علمای بزرگ شیعه معرفی کرده است.^۳ کتاب بشاره المصطفی، شرح مسائل الذریعه و الزهد و التهوری، از آثار اوست.

۱۰. شیخ رضی الدین ابونصر حسن بن فضل طبرسی

وی پسر طبرسی معروف و نویسنده کتاب‌های مکارم الخلاق و معالم الاعلاق و اسرار الامام است.^۴

۱۱. شیخ ابوالفضل علی بن رضی الدین حسن

وی نوه شیخ طبرسی و صاحب کتاب مشکاة الانوار می‌باشد.^۵

۱۲. ابوالمعالی محمد بن عبیدالله الحسینی علوی

وی نویسنده کتاب بیان الادیان می‌باشد که در آن مذاهب مختلف و خصوصاً مذهب تشیع را به فارسی معرفی کرده است.

۱۳. ابوالفتوح رازی

وی یکی از علمای برتر شیعه در عصر سلجوقی است. آثار وی شامل رساله یوحنا،

۱. حسین کریمان، طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. ابوالحسن علی بن زید بیهقی بن فندق، تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، ص ۲۴۲.

۳. میرزا محمد باقر موسوی چهار سوقی اصفهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ص ۵۶۳.

۴. عباسعلی دادخواه، ایران و تشیع (رساله دکتری)، ص ۲۰۸.

۵. همان.

رساله حسنیه، شرح الشهاب و کتاب روض الجنان معروف به تفسیر ابوالفتح است. نویسنده کتاب معالم العلماء از شاگردان وی بوده است.^۱

۱۴. نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل بن ابی الحسین بن ابی فضل قزوینی رازی

وی نویسنده کتاب بعضی مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض معروف به نقض است. وی در شهر ری صاحب مدرسه و منبر بود و این کتاب را در جواب شهاب‌الدین شافعی نویسنده بعضی فضائح الروافض نگاشت. وی کتاب‌های دیگری نیز دارد؛ از جمله: البراهین فی امامه امیرالمؤمنین، السؤالات والجوابات، مفتاح التذکیر.

۱۵. سید الانام ابوالرضا ضیاء‌الدین فضل‌الله بن علی حسینی راوندی کاشانی

وی یکی از سادات مورد احترام کاشان و دانشمندی گران‌مایه، واعظ، ادیب، شاعر و نویسنده بود. وی در مدرسه مجدیة کاشان به تدریس و وعظ اشتغال داشت.^۲

جایگاه عالمان شیعه نزد شاهان سلجوقی

برتری علمای شیعه و احترام والای آن‌ها نزد شاهان سلجوقی، از جایگاه علمی و نیاز دربار به آنان حکایت می‌کند. نویسنده فضائح، در جایی علمای شیعه را در زبونی به یهودیان مانند کرده است. نویسنده نقض لیستی از علمای شیعه در شهرهای مختلف ذکر می‌کند و مدعی می‌شود که علمای شیعه در نزد امرا و شاهان احترام و رتبه والایی داشته‌اند و بر علمای سنی مذهب آن شهرها نیز از نظر رتبه و درجه بالاتر بوده‌اند. این که شخصی چون شیخ‌جعفر دوریستی آن چنان مورد احترام وزیر سنی و متعصب سلجوقیان که به شیعه‌ستیزی مشهور بوده، قرار می‌گرفته که خود شخصاً برای بهره‌بردن از درس وی، هر دو هفته یک بار به دوریست (طرشت فعلی) می‌رفته، دلیل محکمی بر این مدعای نویسنده نقض است. حتی خواجه متعصب سنی با تقیب سیدمرتضی، وصلت و خویشاوندی داشته است.^۳ بنابراین وجود چنین علمایی در آن دوران، باعث شد تا شیعیان امامیه، از گزند توطئه‌های بدخواهان و متعصبان اهل سنت، حفظ گردند.

۱. محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ص ۱۲۸.

۲. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ص ۵۸۳.

۳. همان، ص ۴۷۴.

نویسنده **نقض** در وصف شهر ری، به روابط حسنه میان علمای شیعه و نظام‌الملک طوسی و حتی شاهان سلجوقی اشاره می‌کند: «و در شهر ری که از امهات بلاد عالم است در عهد مرتضای قم که بود، که بر وی طلب تقدم یارستی کردن؟ و معلوم است که علمای فریقین، هر آدینه به سلام مرتضی رفتندی و از وی عطا ستدندی، و سلطان در وقت انزوای او، به سرای او رفت و نظام‌الملک با عظمت، هر سال اند بار به سرای او رفتی»^۱

باز در وصف علمای شهر ری، از برتری آن‌ها بر علمای سایر مذاهب صحبت می‌کند: «و در عهد سید کامل‌الحسنی، که را زهره بودی که بر وی زیادتی طلب کند؟ و در عهد سید شمس‌الدین رئیس شیعت، مگر مصنف دیده باشد که در همه محافل و مجامع سال‌های دراز از اصحاب حنیفه و شافعی کسی بر بالای او ننشست و نتوانست نشستن»^۲

نویسنده **نقض** از علمای برتر هر شهر نیز یاد می‌کند مثلاً در نیشابور، از سید اجل ذخرالدین و پدرش و در سبزوار از سید اجل نام می‌برد و متذکر می‌شود که وی همیشه از والی شهر، شحنة، قاضی و سایر ائمه شهر برتر بوده است. در جرجان، علمایی چون سید شرف‌الدین ماضی، ناصرالدین، نورالدین و سیدمنتهی و در عصر نویسنده سید اجل جمال الدین و سید مشیرالدین در آسمان علم آن شهر، موقعیت والایی داشته. وی سپس برترین علمای شیعه استرآباد را نام می‌برد که معروف‌ترین آنها سید نظام‌الدین از ماضیان و از باقیان سید صدرالدین سمرقندی، کمال‌الدین استرآبادی و معین‌الدین هستند. او در مورد ساری می‌نویسد: «و سادات ساری سیدالحسن و اولاد او شرف‌الدین و تاج‌الدین و قطب‌الدین و بهاء‌الدین همه با علم و فضل و شرف و نسب عالی و مال و جاه که بوده‌اند و هستند همانا پوشیده نماند»^۳

هنر و معماری شیعیان

در دوره طاهریان، سامانیان و غزنویان، پایه تمدن جدیدی به وجود آمد که نسل‌های بعدی و خصوصاً سلجوقیان، به توسعه آن کمک کردند. سلجوقیان به طور چشم‌گیری شعر فارسی را رشد و غنا بخشیدند. در اثر مسافرت شاعران از درباری به دربار دیگر،

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، بعض مطالب التواصب فی نقض بعض فضایح الروافض، ص ۳۹۹.

۲. همان.

۳. همان.

فعالیت‌های ادبی در مناطق مختلف ایران از نوعی انسجام و یک‌پارچگی برخوردار شد. در زمان سلجوقیان، ما حضور یک سبک هنری ایرانی را شاهد هستیم. دو شهر سمرقند و نیشابور، در قرن نهم تحت تأثیر اجناس چینی، کار ساخت ظرف‌های سفالی سفیدی را آغاز کردند که با خط کوفی تزیین می‌شدند. طبقه متوسط به این ظروف که با اشکالی از حیوانات، پرندگان و گیاهان آراسته می‌شدند علاقه‌مند بودند. هم‌چنین در این دو شهر، با تقلید از الگوی ساسانیان، کار ساخت ظروف نقره‌ای و طلائی نیز آغاز گردید. در زمان سلجوقیان، در دو شهر کاشان و ری نیز دو نوع جدید سفال ساخته می‌شد: یکی سفالی بود با طرحی گل‌دار یا خوش‌نویسی شده به رنگ فیروزه‌ای که روی آن لعاب داده می‌شد؛ دیگری دارای نقاشی رنگارنگی بود که روی لعاب کشیده می‌شد. و مناظر درباری و یا افسانه‌های تاریخی را به نمایش می‌گذاشت. از آن‌جا که شیعیان فراوانی در این دو شهر زندگی می‌کردند، به توانایی و استعداد‌های هنری شیعیان دوره سلجوقی می‌توان پی برد. وجود مدارس متعدد در این دو شهر که شیعیان مؤسس و اداره کننده آن‌ها بودند، ما را به این نتیجه می‌رساند که ممکن است در این مدارس به غیر از علوم دینی، به امور هنری و کارگاه‌های صنعتی نیز توجه ویژه می‌شده است:

۱. از آن‌جا که بزرگان اهل سنت و توان‌گران شیعی مذهب برای توسعه اهداف دینی خود به ساخت مساجد و مدارس در شهرهای مختلف می‌پرداختند، معماری ایران در این دوره ساخت طاقگان‌ها، مقرنس‌کاری و گچ‌کاری‌های تزیینی بود که طرح‌های هندسی و گیاهی داشتند.

۲. ظهور طرح و نقشه جدید برای مساجد، جالب‌ترین موضوع در معماری این دوره است. این طرح که از تحول و تکامل طرح‌های پیشین به وجود آمد، شامل یک حیاط بزرگ مرکزی بود که طاقگان‌هایی آن را احاطه کرده بودند. این مساجد از آجر ساخته می‌شدند. مسجد جامع کاشان، یکی از این مساجد است و حمایت دربار سلجوقی از ادبیات، شعر، معماری و هنر، نفوذ شدید مفاهیم سیاسی و مذهبی در آثار هنری را باعث شد.

معماری و ادبیات درباری، در پی مدح پادشاه و نخبگان حاکم، موجه جلوه دادن حکومت آن‌ها و ترغیب به اطاعت از آن‌ها بودند. فرقه‌های اهل سنت و شیعیان، هر کدام با ساخت و تزیین مدارس، مساجد، مقبره‌ها، مناره‌ها و دیگر ساختمان‌های مذهبی، سعی داشتند مشروعیت خود را افزایش دهند. این عمل ایجاد پیوند و رابطه بین دین و هنر را باعث گردید.

وضعیت رفاهی شیعیان

به نظر می‌رسد که شیعیان ایران در عصر سلجوقی، وضعیت اقتصادی و مالی نسبتاً مناسبی داشته‌اند. در داستان ابوهاشم رئیس همدان و سلطان محمد، این مسأله روشن می‌شود؛ زیرا نویسنده کتاب *نقض*، ابتدا طعنه صاحب *فضایح* را نقل می‌کند مبنی بر این که: «رافضیان در شهرها مرفه و آسوده نشسته‌اند با ملک و مال». قبل از این که به جواب عبدالجلیل اشاره شود، از همین مطلب تا حدودی وضعیت مالی شیعیان دوره‌ی سلجوقی را می‌توان درک کرد. این مطلب نشان می‌دهد که آن‌ها در امر تجارت و فعالیت تولیدی و اقتصادی، فعال بوده و در رفاه به سر می‌برده‌اند. از سخن نویسنده *فضایح*، این مطلب نیز به دست می‌آید که منظور وی، شرکت نکردن شیعیان در جهاد با کافران روم و دیگر بلاد بوده و رفاه را به معنای در شهر ماندن و نرفتن به جنگ می‌داند. عبدالجلیل قزوینی در پاسخ چنین می‌گوید: «انصاف آن است که این خواجه که این تشنیع زده است بر این طایفه، پیوسته جهاد را میان بسته بودی و به روم و ولایت فرنگ و دیار ملاحده قتل و نهب می‌کردی و یک ساعت نیاسودی از رنج مجاهدت، و آن کدام طایفه بودند که به جهادی رفتند که شیعت با ایشان موافقت نکردند. پس این طریقت ولات و امرا و شحنگان را باشد؛ خود می‌کنند و شر اعدای دین از مسلمانان کفایت می‌کنند - نصر هم الله - نه خجندی می‌کند نه حلاج نه شانه‌تراش نه دیگری؛ همه خوش می‌خورند و می‌خسبند مرفه و آسوده و سادات و شیعت اگر مال دارند یا ملکی چنان دارند که دیگران»^۱

«رضی‌الدین ابوسعید ورامینی» چنان ثروتی داشته که در شهرهای مقدس مکه و مدینه و مشاهد ائمه، کارهای خیر انجام می‌داده است. وزرای شیعی نیز در نقاط مختلف، کارهای خیر می‌کرده‌اند. لذا مشخص می‌شود که شیعیان دوران سلجوقی، قدرت فراوانی از نظر اجتماعی و اقتصادی داشته‌اند.

سفال‌سازی یکی از صنایع مهم این دوره بوده که در شهر کاشان بیش‌ترین رونق را داشته است. در حفاری‌هایی که در کاشان انجام شده، بعضی از مصالح این صنعت به دست آمده است.

بهترین نمونه کاشی کاری عهد سلجوقی را در مرقد مطهر امام رضا علیه السلام می‌توان یافت.

۱. عبدالجلیل قزوینی رازی، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، ص ۱۴۹.

این نمونه، حاشیه باریکی از کاشی شفاف است که کتیبه‌ای از عهد سلطان سنجر در آن دیده می‌شود. کاشانی‌ها تقریباً در همه هنرهای رایج آن عصر تبحر داشته‌اند. سینی یکی از آثار هنری مشهور دوره سلجوقی است که در موزه صنایع ظریفه «بوستون» در آمریکا جای دارد و سازنده آن «حسن کاشانی» است که نام خود را روی آن کنده‌کاری کرده است. این سینی را زوجه آلب ارسلان، سه سال پس از جلوس او به سلطنت به عنوان هدیه برای زوج خویش تهیه کرده که اسم پادشاه و ملکه و نام سازنده سینی بر آن حک شده است.^۱

ساخت مأذنه، یکی از دیگر از هنرهای دوره سلجوقی به‌شمار می‌آید که بهترین نمونه صنعت آجرکاری است. مناره مسجد جامع کاشان ساخته شده در سال ۴۶۶ هجری، یکی از زیباترین آن‌ها به‌شمار می‌رود.

نتیجه

شیعیان امامیه با کمک گرفتن از مدارس و مساجد متعددی که در شهرهای شیعه نشین ساخته شدند، برنامه‌های فرهنگی، علمی و دینی خویش را آرام آرام پیش بردند و با تربیت و تهذیب جوانان فرهیخته و مستعد شیعه در این مراکز دینی و علمی، آن‌ها را برای وارد شدن به دنیای سیاست و توسعه اهداف شیعه در ایران آن روز آماده کردند. لذا مساجد، مدارس و کتابخانه‌های زیادی در شهرهای شیعه‌نشین آن روز مثل قم، کاشان، آوه، ساری، ری و سبزوار ساخته شدند. بنیان و سازندگان این مدارس، در رقابت با مدارس سایر فرقه‌ها، به ترویج عقیده‌های شیعه و علوم دینی ادامه دادند که نتیجه آن تربیت نسلی شایسته از شاعر، عالم، کاتب، دبیر و مهم‌تر از همه، وزیرانی بود که به دربار شاهان سلجوقی و خلفای عباسی وارد شدند و با حمایت از شیعیان، اهداف شیعه را توسعه و ترویج دادند. تربیت‌شدگان در این مدارس در سایر هنرها نیز مهارت خود را به نمایش گذاشتند؛ به طوری که در معماری مساجد و مأذنه‌ها و صنایع دستی باقی‌مانده از آن عصر رد پای شیعیان و خصوصاً کاشانی‌ها دیده می‌شود. آثار شاعران، عالمان و مفسران شیعی آن عصر نیز به دوران ما رسیده است. ثروتمندان شیعی، مقابر امامان را تعمیر کردند و حتی به توسعه راه‌ها و رسیدگی به امور حاجیان اهتمام خاص داشتند.

۱. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۱۸.

منابع

۱. ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور، ۱۳۶۶.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، *الأمان من أخطار الأسفار والأزمان*، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل‌ابی طالب*، قم: مؤسسه انتشارات علامه، بی‌تا.
۴. ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، *تاریخ بیهقی* (تصحیح احمد بهمنیار)، تهران: فروغی، بی‌تا.
۵. اخلاقی، محمدعلی، *شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه*، تهران: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۶. المامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، نجف بی‌تا، ۱۳۵۰ هـ.ق.
۷. بازورث و دیگران، *سلجوقیان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۸. بویل، جی.آ، *تاریخ ایران کیمبریج ج ۵*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۹. دادخواه، عباسعلی، *ایران و تشیع* (رساله دکتری)، ۱۳۴۱ هـ.ش.
۱۰. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران*، قم: انصاریان، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۱۱. ریاحی، محمد امین، *کسایه مروزی، زندگی، اندیشه و شعرا*، تهران: توس، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۱۲. سنایی غزنوی، ابومحمد مجدود بن آدم، *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ هـ.ش.
۱۳. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، *الأنساب*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۱۴. شوشتری، قاضی سیدنورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۴ هـ.ش.
۱۵. صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: فردوسی، ۱۳۶۳ هـ.ش.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن علی، *الثاقب فی المناقب*، تحقیق: نبیل رضا علوان، قم: انصاریان، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۷. قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه عبدالرحمان

- شرفکندی، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶ ه.ش.
۱۸. قزوینی رازی، عبدالجلیل، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ه.ش.
۱۹. قمی، حسن بن محمد بن حسن، *تاریخ قم*، تصحیح سیدجمال‌الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱ ه.ش.
۲۰. قمی، ملامحمد طاهر، *تحفه‌الاخیار*، تحقیق: داود الهمامی، قم: هدف، ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۱. قوامی رازی، دیوان، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۴ ه.ق.
۲۲. کاشفی، ملاحسین، *روضه‌الشهدا*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه، بی‌تا.
۲۳. کریمان، حسین، *طبرسی و مجمع‌البیان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ه.ش.
۲۴. منتجب‌الدین، علی بن عبیدالله بن بابویه، *الفهرست*، تصحیح عبدالعزیز طباطبایی، تهران: مکتبیه المرتضویه، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۵. موسوی چهار سوقی اصفهانی، میرزا محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، قم: اسماعیلیان بی‌تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی